یادداشت میهمان

به قرآن مفتخریم

دیروز مردم با حضور گسترده و تماشایی خویش در مراسمی که با عنوان «میهمانی غدیر» در تهران و سراسر کشور برگزار شده بود، حماسه بی‌نظیر دیگری در حمایت از اسلام و ارادت خالصانه به حضرت امیرالمومنین علیه‌السلام آفریدند. جوانان و نوجوانان بیشترین سهم را در این حضور حماسی و عاشقانه داشتند تا آنجا که انگار از زمین و زمان جوان و نوجوان جوشیده و به صحنه آمده است. اما، حضور پُرشور دیروز حاشیه‌ای داشت که نه فقط بیرون از متن نبود، بلکه برخاسته از ژرفای دل و جان ملت بود و آن، صدها جلد از کلام الله مجید بود که مردم در اعتراض به اقدام خباثت‌آمیز آتش زدن قرآن در سوئد روی دست بلند کرده بودند. یادداشت پیش‌روی نگاهی هرچند گذرا به جایگاه کلام‌الله مجید است.

قرآن، کلام خدا و آخرین و کامل‌ترین کتاب در بین کتب ادیان آسمانی و ابراهیمی است که از زمان نزولش تا انتهای تاریخ، برای هدایت بشر کافی است و با توجه به حقایق و وقایع علمی، عقل بشر به هراندازه که رشد کند و شکوفا شود، باز هم به مفاهیمش نیاز مبرم دارد. ادیان آسمانی و ابراهیمی به این معنی نیست که خدا برای هدایت بشر، دین‌های مختلف فرستاده و یا ابراهیم خلیل که سلام خدا و خوبان نثارش، ادیان مختلف داشته است. خیر. دین خدا از حضرت آدم تا حضرت خاتم، یکی است و آن اسلامی است که در هر دوره تاریخ، به‌اندازه نیاز و ضرورت و فهم بشر به پیامبر همان عصر، از آن نازل و در اختیار مردم قرار داده شده و به همان اندازه هم از آنها مطالبه خواهد شد. دین خدا مثل خدا یکی است ولی به خاطر تکامل تدریجی فهم انسان‌ها در گذر زمان، در هر دوره قسمتی از آن گفته شده و در نهایت با قرآن کامل شده، و نام‌گذاری ادیان به معنی تفاوت و تنوع آنها نیست. و همه ادیان الهی اسلام است. إن الدین عندالله الأسلام.

تحریف کتاب‌های آسمانی گذشته هرگز نمی‌تواند و نباید بدبینی به قرآن بیاورد. به ویژه انسان امروزی که پروتکل‌ها را وحی منزل می‌داند، چگونه می‌خواهد در این کتاب محکم و متقن شک کند؟ قرآنی که بارها تأکید بر تعقل و تفکر و تدبر دارد کجا و تورات و انجیل تحریف شده توسط یهودیان افراطی کجا؟ مثلاً قرآنی که مراحل خلقت و تولد انسان را در ۱۴۵۷ سال پیش، به‌گونه‌ای می‌گوید که دانشمندان مدعی امروز، متحیر مانده‌اند کجا و کتابی که معتقد است خدا با پیامبرش کشتی گرفت کجا؟ کتابی که یک «واو»ش جابه‌جا نشده و کودک عقل آدمی را با هر کلمه‌اش به وجد و حیرت می‌آورد کجا و کتابی که به صلیب کشیده شدن عیسای مسیحی که درود خدا و خوبان نثارش را آورده کجا؟ از خود نمی‌پرسند چگونه می‌شود خدای خالق با مخلوق خود کشتی بگیرد یا چگونه خبر مرگ یک پیامبر در کتابی که قرار است خودش راوی و رسولش باشد آمده است؟ اگر کنیسه و کلیسا نتوانستند پاسخ عقلی و اقناعی به تناقضات و سؤالات مردم بدهند و سبب بدبینی شدند، هرگز در مورد قرآن و فقه پویای اسلام ناب، این‌گونه نیست.

اینکه ما مسلمانان معتقدیم تمام‌تر و خشک خلقت، و تمام آنچه که نیازهای حیاتی بشر را شامل می‌شود و به سعادتش مرتبط است در قرآن آمده، حاکی از حقایق واقع شده است نه تعصب کور. اگر بیهوده گفته بودیم، مستکبران و قلدران و حتی باهوش‌های تاریخ، هزاران بار با قرآن همان می‌کردند که با کتب «عهد قدیم و عهد جدید» کردند. بیراهه نیست اگر بگوییم دشمنی و کینه ستمگران و ظالمان هر دوره تاریخ با قرآن به این دلیل است که هرگز نتوانستند حتی شبیه یک آیه کوتاه آن را بیاورند و در برابر بزرگی و زیبایی و جذابیت و استواری قرآن عاجز و ناتوان بودند، ولی برخلاف فطرت، به جای سرسپردگی به قرآن، سرکشی کرده و گمان می‌کنند با پاره کردن و سوزاندنش می‌توانند آن را از بین ببرند و خود را مسلط نشان دهند و کودکانه، می‌خواهند با دستان کوچک خود جلو نور خورشید را بگیرند.

نمی‌دانند می‌خواهند چه چیز را انکار کنند وگرنه برای پیدا کردن راه برون‌رفت خود از مشکلات، با حق درنمی‌افتادند و به جای هتاکی، کمی فکر می‌کردند. هرچند این که می‌گوییم برای کسانی است که ریشه و اندیشه‌ای دارند و هنوز، فطرت را لگدمال نکرده‌اند وگرنه برای آن صهیونیست بزدلی که از مبارزه با جوانان جهاد و حماس عاجز و گریزان است، پاره کردن چند صفحه قرآن، نه نشانه شجاعت و حقانیت است و نه عمرش را اضافه می‌کند و از قدیم هم گفته‌اند « خر، چه داند قیمت نقل و نبات». در مورد سوئد و حامیان این حرکت سفیهانه هم همین‌گونه است و اینها که گفته شد برای اهل خرد است و باید در مواجهه با این‌گونه از هتاکان، شرایط روحی، روانی و استیصال آنها را هم دید و دانست در میان آنها کسانی هستند که با تأثیر گرفتن از تبلیغات رسانه‌ای دشمن چنین فریب خورده‌اند.

واقعیت این است که دوران فرامدرن به سر آمده و غرب در مهلکه افتاده است. مثلاً وقتی که جهان بی‌خبر از خدای غرب، سه قرن است که فرانسه را به اشتباه، مهد قانون و دموکراسی و جمهوری می‌داند و وضعیت امروزش را می‌بیند که رئیس‌جمهورش را « غرق شده» می‌نامند، نمی‌تواند تحلیل درستی از حقایق و وقایع داشته باشد و نمی‌تواند کاخ آرزوهایش را در حال فروریختن ببیند؛ همان‌گونه که بسیاری وقتی خود را در محاصره امواج دریا یا شعله‌های آتش می‌بینند و راه فراری نمی‌یابند، از ترس مرگ، خودکشی می‌کنند. وقتی تمام عالم و تکنولوژی و تمدن و حتی انتهای تاریخ را در آمریکا خلاصه کردند و امروزه می‌بینند، شیشه عمر این بهشت شدّاد بین ترامپ بی‌شخصیت و بایدن بی‌هوش و حواس دست به دست می‌شود، حق دارند آتش بگیرند و شعله آن را به قرآنی برسانند که خط به خط زوال طاغوت‌ها را نوشته و حقایق را به صاحب این بدن سرطان گرفته، گفته است.

مردم باهوش باید نتیجه مبارزه با عقل و فطرت و بی‌هویتی و بی‌اندیشه‌ای مدعیان غربی را در جریانات امروز جهان و تمدن غرب ببینند و بدانند که اجداد همین اروپاییان هم پس از آنکه در دوران باستان، پادشاهان خود را غرق در خون و خشونت و کلیسا را غرق در تحریف و خرافات دیدند، به جای طرد تحریف‌گران و حقه‌بازان، دین را نفی کردند و از چاله قرون باستان به چاه قرون وسطی افتادند. پس از آن نیز وقتی که چند قرن از قرون وسطی گذشت و باز هم غرب سرگردان و گمشده‌تر شده بود و کلیسا، درمانده از پاسخ عقلانی برای سؤالات جدید مردمی که بدبختی خود و پیشرفت مسلمین را می‌دیدند و مقایسه می‌کردند مانده بود و پادشاهانی که مشغول دریدن یکدیگر بودند را می‌دید؛ فکری پلید و نامرئی، پادشاهان ستمگر و فئودال‌های زمین‌خوار و اربابان انحراف کلیسا را برای حمله به سرزمین‌های اسلامی ترغیب کرد.

آنها با حمله به بلاد مسلمین و راه‌اندازی جنگ‌های دویست ساله صلیبی و کشتار و سربریدن‌های داعش‌وار مسلمانان مظلوم، اندوخته و انباشته آنها را غارت کردند تا شاید بتوانند اکسیر خوشبختی بیابند و همچون مسلمانان از مواهب خلقت و زندگی مثل آدم، لذت ببرند. همدستی کلیسا با فئودال‌ها در فریب مردم و راه‌اندازی جنگ و آشوب، گویای انحراف و همکاری ریشه‌ای این دو گروه در اعوجاج مردم و همراهی آنان در ستمگری پادشاهان بود و نتیجه آن، به دست آوردن شیوه بانکداری و داد و ستدهای نو، علوم جدید آن روز و کتب ارزشمند مرجع، شیوه‌های معماری و شهرنشینی و... و زمینه‌چینی برای عصر روشنفکری و رسیدن به رنسانس بود. و اگر نبود مواریث اسلامی که در جنگ‌های صلیبی از مسلمین به غارت بردند، مگر غرب می‌توانست با «حکمت مدرسه‌ای» که ایمان را بر عقل مقدم می‌دانست و در غرب رایج بود و منکرین را یا شکنجه می‌کردند و یا زنده در کوره می‌سوزاندند، وارد عصر روشنگری و انقلاب صنعتی و رنسانس شود؟

اینها که گفته شد و تنها بخشی از بسیار بود، اوضاع اروپا را جهنمی کرده بود و حتی تا رنسانس هم این فضای سیاه و خشن و عقل‌ستیز ادامه داشت و دادگاه گالیله و توجیه «خدای رخنه پوش» نیوتن و امثال اینها در دوران رنسانس، گویای اضطرابی است که به‌خاطر «خفقان بیان» و توحش پادشاهان و اربابان کلیسای آن روز که خود را «خازنان بهشت» می‌نامیدند بر جان این دانشمندان افتاده بود. ولی آن افراط در خشونت و ستیز با عقل، به تفریطی رسید که تا می‌توانست در هرچیزی شک می‌کرد جز شیوه اشتباه مواجهه با عقل و دین و خرافه‌پرستی و تحریفی که استادش یهود بود. شاید همین دست نامرئی بود که اروپای گریزان و منزجر از کتب تحریف شده و کلیسای تهی از منطق و... را از اسلام نیز ترساند و رماند. غافل از اینکه قرآن، کتابی است که بر تدبر و تعقل، تأکید بسیار کرده و سؤال کردن و اشکال گرفتن، نه تنها جرم نیست که باعث معرفت و شناخت و در نهایت، ایمان بیشتر می‌شود.

آنکه فرمود «آینه چون نقش تو بنمود راست / خود شکن آیینه شکستن خطاست» راست گفت و غرب باید به جای یقه عقل و دین، یقه پادشاهان و اربابان طماع کلیسا و ثروتمندان فاسد را در دست می‌پیچاند. این بداخلاقی نهادینه شده در غرب که وقتی از تفکر و گفت‌وگو عاجز می‌شوند، قرآن می‌سوزانند، در اصل فریاد ناتوانی آنها از مواجهه با حقیقتی است که هر روز آنها را بیشتر احاطه می‌کند. و ای کاش بزرگانی داشتند که به آنها حالی می‌کرد، تا عبرت بگیرند که وقتی جنگ و تحریم تحمیلی چهل و چهار ساله انقلاب اسلامی ایران آن را ابرقدرت کرد و وقتی سناریوی حمله به برج‌های دوقلو، قرآن را پرفروش‌ترین کتاب آمریکا کرد و محاصره غزه، آن را قوی‌تر نمود و...، هتک احترام قرآن هم چهره وحشی و نافهم مدعیان دروغین آزادی بیان در اروپا و آمریکا را عیان می‌کند و حکومت‌های دروغگو را رسوای عالم و عبرت تاریخ می‌کند، روز ما نزدیک است. ان‌شاءالله

محمدهادی صحرایی

کنعانی:

آیا آمریکا و اروپا برای جنایات صهیونیست‌ها در جنین خواستار تشکیل کمیته حقیقت‌یاب می‌شوند؟

سخنگوی وزارت امور خارجه با اشاره به جنایات اخیر صهیونیست‌ها در اردوگاه جنین پرسید: آیا آمریکا و اروپا برای این جنایات از شورای حقوق بشر می‌خواهند که کمیته حقیقت‌یاب تشکیل دهد؟

حملات صهیونیست‌ها به اردوگاه جنین که از بامداد دوشنبه ۱۲ تیر ماه آغاز شده بود سه‌شنبه شب پایان یافت. بر اثر این حملات ۱۲ نفر شهید و ۱۴۰ تن دیگر زخمی شدند.

تشکیلات خودگردان فلسطین هم در این باره اعلام کرد که در یورش رژیم صهیونیستی به جنین ۳۰۰ خانه به طور کامل و ۵۰۰ خانه به شکل جزئی تخریب شده است.

ناصر کنعانی سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران روز دوشنبه ۱۲ تیر ماه در نشست هفتگی با خبرنگاران این جنایات را محکوم کرده و گفته بود: این اقدام جنایتکارانه و ماجراجویی آشکار و مصداق بارز تروریسم دولتی است. ملت فلسطین هیچ جرمی جز دفاع از حقوق قانونی و شناخته شده خودش مرتکب نشده است. این ملت برای احقاق حقوق قانونی خود تلاش می‌کند و از خود در مقابل یک رژیم متجاوز و اشغالگر در حال دفاع است. ملت فلسطین یک بار دیگر شکست را بر صهیونیست‌های اشغالگر تحمیل خواهد کرد و تردید نداریم این رژیم یک بار دیگر شکست سختی را از مردم فلسطین متحمل خواهد شد.

وی همچنین روز سه‌شنبه ۱۳ تیر ماه بار دیگر تهاجم هوایی و زمینی گسترده ارتش جنایتکار اسرائیل به اردوگاه جنین در کرانه باختری را شدیداً محکوم کرد و ضمن ابراز نگرانی شدید از تبعات انسانی این جنایت آشکار، به خاک و خون کشیدن ده‌ها فلسطینی بی‌گناه، تخریب منازل و کوچ اجباری آنها، خواستار اقدام فوری سازمان ملل متحد، شورای امنیت این سازمان و دیگر مجامع بین‌المللی و جامعه جهانی برای توقف جنایات جنون‌آمیز صهیونیست‌ها شد.

سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران همچنین روز پنجشنبه در این باره در توئیتر نوشت: ۱۲ شهید، ۱۴۰ زخمی، نابودی کامل شبکه‌های آب و برق، تخریب کامل ۳۰۰ و خسارت به حدود ۵۰۰ خانه، تخریب خیابان‌ها و مغازه‌ها و... محصول لشکرکشی جنون‌آمیز ارتش صهیونیستی به اردوگاه پناهندگان شهر جنین.

وی با طرح این پرسش که آیا آمریکا و اروپا از شورای حقوق بشر مطالبه تشکیل کمیته حقیقت‌یاب خواهند کرد؟ پاسخ داد: هرگز!

روز چهارشنبه ۱۴ تیر ماه و در نشست شورای حقوق بشر در ژنو گزارش کمیته حقیقت‌یاب شورای حقوق بشر سازمان ملل درباره ایران قرائت شد. کمیته‌ای سیاسی که ایران از همان ابتدا اعلام کرد آن را به رسمیت نمی‌شناسد.

به گزارش فارس، شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد سوم آذر ماه ۱۴۰۱ قطعنامه ضدایرانی درباره آنچه «وضعیت حقوق بشر در ایران» خوانده شده را به تصویب رساند. این قطعنامه با ۲۵ رأی موافق، ۶ رأی مخالف و ۱۵ رأی ممتنع به تصویب رسید. در این قطعنامه مقرر شد یک «هیئت حقیقت‌یاب» درباره ادعاها درخصوص «نقض حقوق بشر توسط ایران» در اغتشاشات تشکیل شود.

وزارت امور خارجه سوم آذر ماه ۱۴۰۱ در بیانیه‌ای ضمن محکوم و مردود خواندن قطعنامه شورای حقوق بشر، اعلام کرد: ایران تشکیل هرگونه سازوکار جدید برای بررسی موضوعات ۲ ماه گذشته را غیرضروری و نقض حاکمیت ملی کشور دانسته و مأموریت محوله در این باره را به رسمیت نمی‌شناسد.

ناصر کنعانی سخنگوی وزارت امور خارجه پنجم دی ماه ۱۴۰۱ درباره تعیین اعضای کمیته حقیقت‌یاب شورای حقوق بشر برای ایران بیان کرد: اصل دیدگاه خود را در ارتباط با این کمیته قبلا به صراحت اعلام کردیم و تغییری در موضع و دیدگاه ایران ایجاد نشده است. ایران استفاده ابزاری از حقوق بشر و نگاه سیاسی به مقوله حقوق بشر را کمک‌کننده و سازنده نمی‌داند و منجر به تضعیف سازوکارهای بین‌المللی می‌داند و این رویکرد را غلط، غیرسازنده و نقض حقوق بشر تلقی می‌کند و به کشورهایی که از حقوق بشر استفاده ابزاری استفاده می‌کنند، توصیه می‌کند که این رویکرد خود را کنار بگذارند.

امیرعبداللهیان:

گفت‌وگوهایی را با سه کشور اروپایی شروع کرده‌ایم

سرویس سیاسی- **وزیر امور خارجه در گفت‌وگویی اذعان کرد: مذاکراتی را با آلمان، فرانسه و انگلیس آغاز کرده‌ایم تا بتوانیم از سوءتفاهم‌ها عبور کنیم و ایران و سه کشور اروپایی در مسیر تعامل و همکاری بهتری قرار بگیرند.**

حسین امیرعبداللهیان وزیر امور خارجه کشورمان که هفته گذشته برای شرکت در نشست وزرای امور خارجه کشورهای عضو جنبش عدم تعهد به باکو سفر کرده بود، در ادامه دیدارهای خود با مقامات کشورهای این جنبش، با فیصل مقداد وزیر امور خارجه سوریه ملاقات و گفت‌وگو کرد.

امیرعبداللهیان در این دیدار، بازگشت سوریه به جایگاه واقعی و مهم این کشور در مجامع عربی منطقه‌ای و روابط با دیگر کشورها را اقدامی ارزشمند و کمک‌کننده به برقراری امنیت و آرامش در سوریه و منطقه دانست.

فیصل مقداد وزیر امور خارجه سوریه نیز در این دیدار از سفر ریاست جمهوری اسلامی ایران به سوریه به عنوان سفری تاریخی یاد کرد و وزیر امور خارجه کشورمان را در جریان پیگیری‌های ویژه در سطوح عالی سوریه برای تحقق توافقات و منویات رؤسای جمهور دو کشور قرار داد. همچنین موضوعات مربوط به روند آستانه و آوارگان سوری مورد بحث و تبادل نظر طرفین قرار گرفت.

وزیر امور خارجه کشورمان در حاشیه نشست عدم تعهد در باکو، دیداری نیز با فواد حسین وزیر امور خارجه عراق داشت. توافق امنیتی دو کشور و اجرای دقیق آن، وضعیت انتقال گاز کشورمان به عراق، همکاری‌های منطقه‌ای، تبادلات مالی و موضوعات مرزی نیز مورد رایزنی قرار گرفت.

دیدار هیئت فلسطینی به ریاست ریاض المالکی وزیر خارجه فلسطین با امیرعبداللهیان دیگر رخداد حاشیه نشست باکو بود. وزیر خارجه کشورمان ضمن محکومیت شدید تهاجم هوایی و زمینی ارتش جنایتکار و اشغالگر اسرائیل به اردوگاه جنین در کرانه باختری در روزهای اخیر، اقدامات فوری و مؤثر متناسب با این رفتارهای ضدبشری رژیم صهیونیستی از سوی جامعه جهانی به‌ویژه سازمان ملل متحد را مورد تاکید قرار داد.

حسین امیرعبداللهیان همچنین در باکو دیدارهایی با همتایان خود از بلاروس و سودان داشت که در دیدار با وزیر خارجه سودان، اقدامات لازم برای ازسرگیری روابط دیپلماتیک پس از هفت سال قطع رابطه مورد بررسی قرار گرفت.

رئیس دستگاه دیپلماسی کشورمان گفت‌وگویی نیز با شبکه فونیکس چین داشت و در پاسخ به خبرنگار این شبکه درباره مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا اظهار داشت: ایران هفته‌ها است که گفت‌وگوهایی را با سه کشور آلمان، فرانسه و انگلیس شروع کرده است.

این گفت‌وگوها از نروژ شروع شد و اخیراً هم در ابوظبی امارات متحده عربی ادامه پیدا کرد. گفت‌وگوها ناظر بر این است که بتوانیم از سوءتفاهم‌ها عبور کنیم و ایران و سه کشور اروپایی در مسیر تعامل و همکاری بهتری قرار بگیرند.

به گزارش مهر، امیرعبداللهیان یادآور شد؛ البته روابط ما با اتحادیه اروپا و با بخش اعظمی از اروپا یک روابط طبیعی و رو به پیشرفت است. در دولت آقای دکتر رئیسی ما برای مقابله با تحریم‌ها دو مسیر را به طور همزمان دنبال می‌کنیم. مسیر اول تلاش برای بی‌اثر کردن تحریم‌هاست و مسیر دیگر تلاش برای لغو تحریم‌ها با استفاده از ابزار دیپلماسی و مذاکره. ما در هر دو مسیر حرکت می‌کنیم.

خبر ویژه

شبیه‌سازی حمله موشکی ایران به رژیم صهیونیستی با استفاده از هوش مصنوعی

وب‌سایت صهیونیستی واللا با استفاده از هوش مصنوعی، به بررسی نتایج حمله موشکی ایران به سرزمین‌های اشغالی پرداخته است.

به گزارش مشرق، پس از برگزاری رزمایش رژیم صهیونیستی که در آن حملات موشکی از سوی ایران و محور مقاومت تمرین شده بود، وب‌سایت عبری‌زبان واللا در گزارشی در رابطه با نتایج حملات موشکی ایران و محور مقاومت نوشت: هفته گذشته، فرماندهی جبهه داخلی رزمایش سناریوی جنگ چندجبهه‌ای با نام «مشت آهنین» را آغاز کرد که طی آن، ضربات نیروی هوایی از جمله حملات در ایران نیز تمرین شد. براساس این سناریو، در پاسخ به این حملات، موشک‌هایی از ایران و سازمان‌های نظامی طرفدار ایران از عراق، سوریه، لبنان و نوار غزه به سمت اسرائیل شلیک شد که بیشتر اصابت‌ها در مناطق شمالی و حیفا بود.»

این وب‌سایت در رابطه با بررسی نتیجه حملات نوشت: «برای اینکه بفهمیم با چه چیزی روبه‌رو هستیم، از مدل هوش مصنوعی DALL-E-۲ پرسیدیم که حملات موشکی چگونه خواهد بود. خودتان را محکم نگه دارید، نتیجه به دست آمده ناخوشایند است.»

فرماندهی جبهه داخلی شرایطی را تمرین کرد که در نتیجه برد راکت‌ها، موشک‌ها و کلاهک‌های سنگین، حدود صد غیرنظامی در جبهه داخلی کشته و حدود هزار نفر مجروح شدند. در این سناریو، سازمان‌های اورژانس با بیش از هزار محل تخریب مواجه شدند که ۵۰۰ مورد در وضعیت وخیم و حدود ۲۰۰۰ ساکن بدون دریافت کمک در مناطق باز وجود دارد.

واللا با اشاره به یکی از فرماندهان رژیم صهیونیستی می‌افزاید: «یکی از مقامات فرماندهی جبهه داخلی توضیح داد چنین سناریویی به تداوم عملکرد ما [در زمان جنگ] آسیب می‌رساند. این منبع حتی می‌گوید که چنین سناریویی، منجر به افزایش مکان‌های تخریب‌شده و مرگ و میر در جبهه داخلی، در مقیاس و سطحی می‌شود که اسرائیل هرگز تصورش را نمی‌کرد.»

چپ‌های سوپر لیبرال و شگرد همیشه طلبکاری

علی قنبری در گفت‌وگو با خبرآنلاین پاسخ داد: ایران درگیر نوعی سرمایه‌داری رفاقتی است/ لیبرالیسم متهم ردیف اول وضعیت امروز اقتصاد ایران است؟

«مسیر اقتصاد ایران مسیر کاملا متفاوت از مسیری است که لیبرالیسم طراحی کرده است از این رو مشکلات کنونی اتفاقا ریشه در دولتی بودن اقتصاد و سیطره بیش از حد دولت بر اقتصاد دارد».

این ارزیابی را خبرگزاری خبرآنلاین از قول علی قنبری منتشر، و او را استاد دانشگاه معرفی کرد. خبر آنلاین (خبرگزاری وابسته به برخی مدیران دولت روحانی) می‌نویسد: دو مناظره اخیر غنی‌نژاد با مسعود درخشان و همچنین علی علیزاده، حالا بیش از پیش توجه افکار عمومی را به مفاهیم اقتصادی و نظریه‌های حاکم برای فضای اقتصادی کشور جلب کرده است. علی قنبری، عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس معتقد است که در هر دو مناظره، اشخاصی که روبه‌روی دکتر غنی‌نژاد نشسته‌اند در صدد محاکمه لیبرالیسم به عنوان متهم اصلی وضعیت موجود هستند، در حالی که هیچ نشانه‌ای از حاکمیت لیبرال‌ها و اندیشه‌های لیبرالی در ایران وجود ندارد.

قنبری با بیان اینکه اندیشه لیبرالیسم در خدمت توسعه است، گفت: شخصا خودم را نماینده اندیشه لیبرالیستی نمی‌دانم اما معتقدم آنچه بر اقتصاد ایران گذشته، در قالب نظریه و تئوری و... قابل توضیح نیست، چرا که ملغمه‌ای از بی‌برنامگی، زیاده‌خواهی و... بر این اقتصاد حاکم بوده است.

وی گفت: کسانی که امروز خود را نماینده تفکر چپ می‌دانند کاش توضیح دهند مطلوبشان چیست و کجاست؟ چین است یا روسیه یا کوبا؟ اگر منظورشان چین و روسیه است که باید بدانند خود این دو کشور و حتی کوبا در حال حرکت به سمت لیبرالیسم هستند. من معتقدم نه کمونیسم و نه حتی سوسیالیسم نتوانسته دستاورد چندانی برای بشر داشته باشد. در ضمن آنچه بر ایران حاکم بوده نیز با این دو اندیشه متفاوت بوده است. ما درگیر نوعی سرمایه‌داری رفاقتی هستیم، با سیطره بالای دولت بر اقتصاد. وی گفت: به نظر من بحث بر سر اینکه اندیشه‌های لیبرال چه تاثیری در شکل‌گیری بحران‌های اقتصادی دارند، یک شوخی است. در اقتصادی که ۸۵ درصد آن در اختیار دولت است و هم خصولتی‌ها و شبه‌دولتی‌ها روز به روز در حال بزرگ‌تر شدن است، چطور می‌شود چنین چیزی گفت؟

وی اضافه کرد: دست‌پخت کسانی که به عنوان منتقد ظاهر می‌شوند اتفاقا وضعیتی است که در آن قیمت تمام شده کالا از همه جهان بالاتر است، نه سرمایه‌دار خصوصی رغبتی به حضور دارد و نه سرمایه‌گذار خارجی و در نهایت اقتصاد در حال تهی شدن از درون است.

قنبری گفت: برخی شعارزدگی را با اندیشه اشتباه گرفته‌اند. درباره تکیه بر خود و درون‌زایی و خودکفایی حرف می‌زنند در حالی که به یک سؤال ساده نمی‌توانند پاسخ بدهند، اینکه بگویند چرا سرمایه‌ها جذب اقتصاد ایران نمی‌شود.

وی گفت: وقتی ایدئولوژی سیاسی بر اقتصاد سیطره می‌یابد دیگر بحث بر سر اینکه مقصر لیبرال‌ها هستند یا نهادگرایان و سوسیالیست‌ها به یک شوخی شبیه می‌شود. این‌جا کسی مقصر نیست، ساختاری که مانع از اتخاذ تصمیم اقتصادی می‌شود بزرگ‌ترین تقصیر را بر عهده دارد. کاش فضا باز شود تا اقتصاددانان وارد میدان شوند، البته اگر دولت گوش شنوایی برای شنیدن نظرات مختلف داشته باشد.

خبرآنلاین البته تعمدا قنبری را به عنوان استاد دانشگاه معرفی کرده و نه معاون وزیر جهاد در دولت روحانی و عضو فراکسیون مشارکت در مجلس ششم که با سیاسی‌کاری، موجب دهن‌کجی به مطالبات اقتصادی مردم شدند.

قنبری چنین القا می‌کند که لابد باید میان کمونیسم و لیبرالیسم انتخاب کرد و لیبرالیسم سر است و کمونیسم ناکارآمد. این در حالی است که هم‌طیفان وی در جناح موسوم به چپ و مدعیان بعدی اصلاح‌طلبی، متولی تصمیم‌گیریهای سوپر چپ و سوپر راست در دولت‌های مختلف در چند دهه گذشته بوده‌اند و بنابراین، نکوهش چپ‌روی یا تمجید از لیبرالیسم و منزه کردن ساحت آن، خلاف عملکرد زیگزاگ طیف متبوع وی و خسارات حاصل از آن است. دولتی کردن اقتصاد به شکل افراطی و سپس حراج منابع و اموال و امکانات عمومی به نام خصوصی‌سازی، کارکرد مهم این جریان بی‌کفایت اما زبان دراز و بی‌صداقت بوده، اما در عین حال سعی کرده که به واسطه استخدام انبوه رسانه‌های اجاره‌ای، واقعیت را وارونه روایت کند.

گفتنی است رفتار مذبذب گفتمانی از منتهی‌الیه چپ به منتهی‌الیه راست، بخش غالب جریان التقاطی مدعی اصلاح‌طلبی محسوب می‌شود؛ چنان که تاج‌زاده ۲۸ تیر ۸۲ به روزنامه ایران گفته بود، «در دوره اول انقلاب، گفتمان غالب، متأثر از نظام دو قطبی بود و مبارزه با امپریالیسم و عدالت‌طلبی حرف اول را می‌زد، ولی اکنون گفتمان جهانی عوض شده و دوره دفاع از اصلاحات و دموکراسی و حقوق شهروندی است».

همچنین محسن آرمین ۲۵ خرداد ۸۱ در مصاحبه با ایسنا تصریح کرد: «در شرایط بحرانی انقلاب، گفتمان حاکم، گفتمان عدالت بود و اصلی‌ترین چالش‌های سیاسی حول محور عدالت شکل می‌گرفت، آرایش نیروهای سیاسی همه حول این محور بود اما در دهه ۷۰ گفتمان حاکم بر جامعه به گفتمان آزادیخواهی تغییر یافت... اگر فضای کشور مجددا به گونه‌ای شود که عدالت گفتمان اصلی شود نیروهای انقلابی که بدنه اصلی جریان اصلاحی را تشکیل می‌دهند، دیدگاه‌های عدالت‌خواهانه خود را اعلام خواهند کرد(!) البته آرمان عدالت‌خواهی قطعا به عنوان آرمان ثابت و استراتژیست باقی است. البته این سخن به معنای آن نیست که تمام نیروهای جبهه اصلاح‌طلبان معتقد به عدالت هستند؛ از جریان‌های معروف به راست مدرن و تکنوکرات در این جبهه حضور دارند تا نیروهایی که پیشینه و سابقه چپ دارند».

از سوی دیگر علی شکوری راد (دبیرکل بعدی حزب اتحاد ملت) ۶مهر ۱۳۸۲، در مصاحبه با روزنامه مردم‌سالاری، عدالت را شعار سوسیالیست‌ها خواند و در توجیه تغییر شعار چپ‌ها از عدالت‌خواهی به لیبرالیسم و کاپیتالیسم گفت «انقلاب اسلامی در زمانی اتفاق افتاد که گفتمان سوسیالیستی در جهان عهده‌دار و پرچمدار انقلاب بود و انقلاب و حتی قانون اساسی ما تحت تأثیر گفتمان سوسیالیستی قرار داشت(!) طیف چپ شاید مجموعه‌ای بودند که بحث عدالت اجتماعی را در کنار آزادی خیلی پرفروغ به آن توجه کردند که تمایز چپ و راست سنتی است. تقسیم‌بندی سازمان مجاهدین کاملا جدید بود. فروپاشی شوروی، نقطه پایانی بود برای این قضیه(!) و آن دیدگاه اقتصادی که بلوک شرق را اداره می‌کرد، سپر انداخت در برابر دیدگاه اقتصادی سرمایه‌داری... طبیعتا وقتی این گفتمان سوسیالیستی فروکش کرد و گفتمان آزادسازی اقتصادی و دنیای رقابت اقتصادی مطرح شد، اقتضای زمان این بود که یک تجدیدنظرهایی صورت بگیرد.»

گفت و شنود

گاو کجاست؟!

گفت: خبر میهمانی ده کیلومتری عید غدیر و حضور حماسی مردم در این جشن و سایر جشن‌ها در سراسر کشور، بدجوری اعصاب گروه‌های اپوزیسیون را به هم ریخته!

گفتم: حیوونکی‌ها!

گفت: یکی از گروه‌های سلطنت‌طلب توئیت زده و نوشته جمهوری اسلامی هر روز یک برگ برنده بیرون می‌کشد ولی اپوزیسیون هر روز یک فاجعه و شکست جدید را تجربه می‌کند.

گفتم: ۴۴ سال است همه قدرت‌های ریز و درشت دنیا، همه توان خود را برای مقابله با ایران اسلامی به میدان آورده و نتوانسته‌اند هیچ غلطی بکنند، آن‌وقت از یک مشت اجق وجق اجاره‌ای چه کاری ساخته است؟!

گفت: یکی از اعضای جدا شده منافقین اعتراف کرده که همه گروه‌های اپوزیسیون درباره فعالیت‌های خود بلوف می‌زنند و پیشنهاد داده که اگر کاری از آنها ساخته بوده چرا گزارش آن را منتشر نمی‌کنند؟!

گفتم: آموزگار سر کلاس به دانش‌آموز گفت؛ نقاشی که سفارش داده بودم را بیاور. و دانش‌آموز یک صفحه کاغذ سفید را نشان داد! آموزگار پرسید؛ این چیه؟ گفت؛ یه گاوه که داره علف می‌خوره! پرسید؛ علفش کو؟ گفت؛ گاو خورده! پرسید؛ گاوش کجاست؟! گفت؛ علف‌ها را خورد و رفت!

نکته

همتای علی نخواهد آمد هرگز

بریده‌های کوتاهی از یک یادداشت بلند کیهان است که با حماسه غدیری دیروز جان تازه گرفته است. بخوانید!

۱- مالک غمزده است، علی را در اوج اقتدار، مظلوم می‌بیند. قطره اشکی را که از چشمانش به‌گونه دویده پاک می‌کند. آرام به سوی عمار می‌رود. «کاش می‌توانستیم علی(ع) را به عصری ببریم که مردم قدرش را بدانند و راه و رسمش را بر صدر بنشانند». عمار به مالک دلداری می‌دهد؛ «آن روزها که آرزو می‌کنی در راه است. از رسول خدا(ص) وصف مردمی را شنیده‌ام که در صلب پدران و رحِم مادران خویشند و چون آن عصر که تو آرزو کرده‌ای فرا رسد، لبیک‌گویان از راه می‌رسند، مردمانی که از «من» و «ما» گذشته‌اند. نه در سر سودای سود دارند و نه در دل، غم بود و نبود، دل در گرو اسلام ناب محمدی(ص) دارند. علی(ع) را امام و مولا و مقتدای خود می‌دانند. آنان سقف تاریک نظام سلطه را می‌شکافند و طرحی نو در می‌اندازند. در آن هنگام که پیش‌روی است و رسول خدا(ص) وعده داده است، حرامیان که پایان عمر این دنیایی علی را پایان اسلام می‌دانستند، وحشت‌زده به مقابله با یاران آخرالزمانی علی برمی‌خیزند و به مصداق «الکفر ملةٌ واحده» همه یاران خود را فرا می‌خوانند و از هر سو به آنها می‌تازند. بار دیگر جمل و صفین و نهروان به تکرار می‌نشیند اما، این بار نه مانند جمل، ناکثین را توان ایستادن است و نه مانند صفین از نیزه فریب زخم بر می‌دارند و نه با فتنه نهروانیان از راه باز می‌مانند. شیطان سراسیمه نعره می‌زند و بر سر لشکریان انس و جن خود فریاد می‌کشد که: «چه نشسته‌اید؟! اسلام بار دیگر و بعد از هزار و چهارصد سال حصار تاریخ را شکافته و بار دیگر به میدان آمده است».

۲- جرج جرداق نویسنده مسیحی کتاب «صوت العداله الانسانیه»، می‌نویسد «این همه که از فضایل و مردم دوستی علی(ع) آمده است- و همین اندازه نیز بیرون از اندازه و شمار است- فقط اندکی از بسیارها و قطره‌ای از اقیانوس بی‌کران علی است». جرداق در توضیح این نظر خود به واقعیت تلخی اشاره کرده و می‌گوید؛ «بسیاری از فضیلت‌های علی(ع) را دشمنانش به کینه و دوستانش به تقیه، ناگفته گذاشته و گذشته‌اند».

**۳- این نکته نیز از قول «محمد حسنین هیکل» نویسنده و روزنامه‌نگار بلند آوازه مصر خواندنی است. او درباره اولین دیدارش با امام خمینی(ره) که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و در